

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم اداری و اقتصاد
گروه علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی روابط بین الملل

نقد و تجزیه و تحلیل نظریه سازه انگاری در روابط بین الملل

استادان راهنما:

دکتر عنایت ا... یزدانی

دکتر علی امیدی

پژوهشگر:

حسین دالوند

اسفند ماه ۱۳۸۹

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع
این پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم اداری و اقتصاد
گروه علوم سیاسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی روابط بین الملل
آقای حسین دالوند تحت عنوان

نقد و تجزیه و تحلیل نظریه سازه انگاری در روابط بین الملل

در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۷ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی... به تصویب نهایی رسید.

امضا

۱- استاد راهنمای اول پایان نامه دکتر عنایت ا... یزدانی با مرتبه ی علمی دانشیار

امضا

۲- استاد راهنمای دوم پایان نامه دکتر علی امیدی با مرتبه ی علمی استادیار

امضا

۳- استاد داور داخل گروه دکتر نوذر شفیعی با مرتبه ی علمی استادیار

امضا

۴- استاد داور خارج گروه دکتر رسول ربانی با مرتبه ی علمی استاد



هوا بمجمل

حد و سپاس و ستایش بیکران خدایی را، که فضلش همه جا گسترده است و دست عطایش را به طرف همه کس دراز ننموده است. خدای را سپاس می گویم که قرآن را فرستاد تا بوسیله آن از شر و سوسه های شیطانی رها و به سوی کسب فضایل اخلاقی، بنمون شوم؛ نعمت عقل را در وجودم به ودیعت گذاشت تا در پرتوی آن تیرگی ها را از بین ببرم، پس ستایش مخصوص اوست به خاطر این همه نعمت ها و با حفظ می توانیم بایاد آوری اینها، لطف و رحمت بی نهایتش را اندکی سپاس گوئیم.

جدا دارد که از اساتید که تقدیرم که در دوران تحصیلم از مرحمت های ایشان بهره های فراوان برده ام، تشکر و قدر دانی نمایم، به ویژه از استاد بزرگوارم دکتر کریم مجتهدی استاد فلسفه دانشگاه تهران که بهمت و صبر را به من آموخت، و نیز بر خود لازم می دانم که صمیمانه ترین سپاس ها را به آقایان دکتر زردانی، دکتر علی امیدی و دکتر نوز شفیعی تقدیرم نمایم، که نهایت همکاری را با اینجانب مبذول داشته اند. همچنین از دوستان عزیزم آقایان داریوش قاسمی، روح الهه زمانیان، حسین طاهری، مجتبی حدیری، کریم طیبی و دکتر عظیم طماسی که به نوعی در تدوین این رساله مرا همراهی نموده اند تشکر می نمایم.

تقدیم به

روح پدر بزرگم

که پنج سالهای عمرش سرمایه ام شد برای ادامه تحصیل،

مادر بزرگم و پدر و مادر عزیزم

که سکوت و صبوری شان انگیزه زندگی ام شد

همسر مهربانم و خانواده اش که همواره پشتیبانم بودند،

خواهران و برادر عزیزم،

و عموهای بزرگوارم بهرام و بهزاد

که در تمامی مراحل تحصیل و زندگی من مشوق و یاریگر من بوده و هستند.

چکیده:

با ظهور رشته روابط بین الملل در ابتدای قرن بیستم به عنوان رشته ای مستقل، همواره آثار و تلاش های نظری حول مسائل محتوایی و مسائل فرانتزوری شکل گرفته اند. در وهله نخست: نظریه پردازان سعی داشته اند از راه تدوین نظریه های محتوایی در قالب های کلان به فهم و تبیین موضوعاتی نظیر ساختار و پویایی نظام بین الملل یاری رسانند، که می توان نظریه پردازان واقع گرایی، نو واقع گرایی و لیبرالیسم را در این زمره قرار داد. در وهله دوم: نظریه پردازان مفاهیمی را مطرح ساخته اند که به باز تعریف انگاره ها و عناصر قوام بخش نظریه ها مربوط می باشند. در کل می توان گفت که هدف این دسته از بررسی های درجه دوم که مسائل فرا نظری گفته می شوند؛ کمک به فهم و تبیین بهتر روابط بین الملل از طریق تمرکز کردن بر مسائل هستی شناختی و معرفت شناختی است. نظریه سازه انگاری در زمره این طیف نظریه پردازی قرار می گیرد. سازه انگاری طی دو دهه اخیر به یکی از موضوعات مناقشه بر انگیز در حوزه روابط بین الملل تبدیل گشته است و به تدریج جایگاه خود را در میان نظریه ها پیدا نموده است. این نظریه را می توان به عنوان یکی از دستاوردهای نظری پایان جنگ سرد در روابط بین الملل در نظر گرفت، و به خاطر ارائه فهم نوین محتوایی از روابط بین الملل و این حقیقت که در حوزه فرا نظری توانسته است از اوایل دهه ۱۹۹۰ با ورود به این عرصه، نظریه های جریان اصلی را به چالش بکشد، اهمیت بسزایی دارد. هدف پایان نامه حاضر این است که نشان داده شود، سازه انگاری از منظر مباحث فرانتزوری در «بین» دو جریان نظری یعنی طبیعت گرایان/اثبات گرایان و پساساختارگرایان قرار می گیرد. همچنین این نظریه از جنبه پرداختن به مباحث محتوایی روابط بین الملل در «میان» دو بخش جریان اصلی یعنی واقع گرایی و لیبرالیسم قرار می گیرد. بدین لحاظ سازه انگاران معتقدند که نوعی «راه میانه» فراهم آورده اند که هم ویژگی های سیاست بین الملل را که در نئورالیسم و نئولیبرالیسم محوری می باشند را در دل خود جای داده است، و همچنین با تأکید بر عناصری چون هویت بازیگران، انگاره ها، هنجارها و غیره، به گفتمان پست مدرنیسم و واکنش گرایان نزدیک شده اند. با روش توصیفی-تحلیلی سعی می شود ویژگی های نظریه سازه انگاری تشریح گردد، که بطور خلاصه شامل این موارد می شود: توجه به «انگاره ها، معانی، قواعد، هنجارها، ارزشها و رویه ها»، تأکید بر «ویژگی تکوینی چارچوب های رفتاری»، اهمیت قائل شدن برای «بعد مادی و غیر مادی ساخت اجتماعی». در نتایج بدست آمده نیز باید اشاره کرد که سازه انگاران نه تنها منابع و بازیگران را محدود به مقولات مادی و عینی نمی سازند، بلکه برای نقش و اهمیت منابع معنایی و غیرمادی ارزش بسیار بالایی قائل هستند. از منظر آنان رفتارها و تحولات ناشی از تعامل متقابل کارگزار و ساختار می باشند و بنابراین یکی از آن دو، شکل دهنده رفتار و مواضع نیستند، بلکه ساختار و کارگزار درهم تنیده شده اند و همچنین هویت بازیگران متفاوت و متحول است و برداشت از هویت خود و دیگری است که به منافع و سیاستها شکل می دهد.

کلید واژه ها: روابط بین الملل، فرا نظریه، سازه انگاری، مسأله ساختار و کارگزار، نظام بین الملل.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات

۱-۱- مقدمه.....	۱
۲-۱- شرح و بیان مسئله.....	۲
۳-۱- واژه ها و اصطلاحات کلیدی.....	۴
۱-۳-۱- سازه انگاری.....	۴
۲-۳-۱- فرانظریه.....	۵
۳-۳-۱- مسأله ساختار - کارگزار.....	۵
۴-۳-۱- نظام بین الملل.....	۶
۵-۳-۱- روابط بین الملل.....	۷
۴-۱- پیشینه و ادبیات تحقیق.....	۷
۵-۱- اهداف تحقیق.....	۱۱
۱-۵-۱- اهداف اصلی.....	۱۱
۲-۵-۱- اهداف فرعی.....	۱۱
۶-۱- اهمیت و ارزش تحقیق.....	۱۲
۷-۱- فرضیه های تحقیق.....	۱۲
۱-۷-۱- فرضیه اصلی.....	۱۲
۲-۷-۱- فرضیه فرعی.....	۱۲
۸-۱- محدودیت های تحقیق.....	۱۳
۹-۱- کاربرد نتایج تحقیق.....	۱۳
۱۰-۱- روش تحقیق.....	۱۳
۱۱-۱- ابزار جمع آوری داده ها.....	۱۴
۱۲-۱- سازماندهی تحقیق.....	۱۴

فصل دوم: روند شکل گیری مناظره های نظری در تاریخ روابط بین الملل

۱-۲- مقدمه.....	۱۵
۲-۲- نظریه و نظریه پردازی در روابط بین الملل.....	۱۵

۱۷	۱-۲-۲- مفهوم نظریه.....
۲۱	۳-۲- رشته مستقل روابط بین الملل و پیدایش مناظرات تئوریک.....
۲۵	۱-۳-۲- مناظره درون پارادایمی آرمان گرایان و واقع گرایان (پارادایم سنت گرایی).....
۲۵	۱-۱-۳-۲- آرمان گرایی.....
۲۶	۱-۲-۳-۲- واقع گرایی.....
۳۰	۲-۳-۲- مناظره بین پارادایمی سنت گرایان و رفتار گرایان.....
۳۲	۱-۲-۳-۲- سنت گرایی.....
۳۳	۲-۲-۳-۲- رفتار گرایی.....
۳۵	۳-۳-۲- مناظره بین پارادایمی رفتار گرایی - فرارفتار گرایی.....
۳۸	۴-۲- جمع بندی.....

فصل سوم: مبانی هستی شناسی سازه انگاری

۳۹	۱-۳- مقدمه.....
۴۰	۲-۳- هستی شناسی سازه انگارانه.....
۴۲	۱-۲-۳- ماده و معنا.....
۴۳	۱-۱-۲-۳- معنا گرایی و مادی گرایی از نظر سازه انگاری.....
۵۲	۲-۲-۳- هویت از منظر سازه انگاری.....
۵۲	۱-۲-۲-۳- تعریف هویت.....
۵۴	۲-۲-۲-۳- برداشت سازه انگارانه از مفهوم هویت.....
۵۸	۳-۲-۲-۳- مقایسه مفهوم هویت سازه انگارانه با دیدگاه های خرد گرا و واکنش گرا.....
۶۴	۴-۲-۲-۳- تحلیل نقش هویت در ظهور پدیده های بین المللی.....
۶۵	۳-۳- نگرش فردگرا در مقابل کل گرایی.....
۶۶	۱-۳-۳- رهیافت فردگرا.....
۶۶	۲-۳-۳- رهیافت کل گرا.....
۶۸	۴-۳- چگونگی تعامل ساختار - کارگزار.....
۶۸	۱-۴-۳- اراده گرایی (اصالت ذهن یا کارگزار).....
۶۹	۲-۴-۳- ساختار گرایی.....
۷۰	۳-۴-۳- نظریه ساخت یابی.....

۳-۴-۴- رابطه کارگزار و ساختار از نظر سازه انگاران.....۷۲

۳-۵- جمع بندی.....۷۶

فصل چهارم: مبانی معرفت شناختی و روش شناختی سازه انگاری

۴-۱- مقدمه.....۷۷

۴-۲- رابطه معرفت شناختی با هستی شناسی.....۷۸

۴-۳- مبحث معرفت و اهمیت معرفت شناسی.....۸۰

۴-۳-۱- ریشه ی تاریخی معرفت شناسی.....۸۲

۴-۴- رهیافت های معرفت شناختی اثبات گرا - فرااثبات گرا - سازه انگار.....۸۳

۴-۴-۱- اثبات گرایی.....۸۴

۴-۴-۲- رهیافت فرا اثبات گرا(تفسیری).....۸۹

۴-۴-۳- معرفت شناسی منعطف سازه انگاری.....۹۳

۴-۵- انتقاد معرفت شناسی سازه انگاران.....۹۸

۴-۶- روش شناسی.....۹۹

۴-۶-۱- روش شناسی سازه انگاری.....۱۰۲

۴-۷- جمع بندی.....۱۰۳

فصل پنجم: سهم سازه انگاری در نظریه پردازی روابط بین الملل

۵-۱- مقدمه.....۱۰۴

۵-۲- چرخش سازه انگارانه.....۱۰۵

۵-۳- انواع سازه انگاری: متعارف - رادیکال.....۱۰۸

۵-۴- انتقادات به سازه انگارن.....۱۱۲

۵-۵- مفهوم موازنه قدرت.....۱۱۴

۵-۶- اقتدار گریزی و سیاست قدرت.....۱۱۵

۵-۷- کنشگران بین المللی و چگونگی کنشگری.....۱۱۸

۵-۸- همکاری های بین المللی.....۱۲۱

۵-۹- قدرت کنشگری.....۱۲۳

۵-۱۰- انسان از نظر تئوری سازه انگاری.....۱۲۴

۵-۱۱- حاکمیت.....۱۲۶

صفحه

عنوان

۱۲۷.....	۱۲-۵- دگرگونی در سیاست جهان
۱۲۷.....	۱۳-۵- جمع بندی
۱۳۶.....	نتیجه گیری
۱۴۴.....	منابع و مأخذ

فصل اول:

کلیات

۱-۱- مقدمه

در حوزه های مطالعاتی روابط بین الملل همواره مهم ترین آثار جنبه نظری داشته اند. اهمیت آثار نظری به این خاطر است که به ما می آموزند چه چیزهایی را به عنوان روابط بین الملل تلقی کنیم و چه چیزهایی را مهم بدانیم، چگونه به آنها بنگریم، بفهمیم و یا تبیین کنیم. نظریه ها شناخت را در یک هم نهاد ترکیب می کنند و جهان را با ایجاد ارتباط میان پدیده هایی که ظاهراً نا مرتبط و بی معنا هستند، برای ما معنا دار می کنند. با توجه به اهمیت نظریه ها، در این پایان نامه از میان مناظرات نظری و پارادایم ها مختلف در روابط بین الملل، سازه انگاری انتخاب شده است تا سیر و روند شکل گیری و همچنین محتویات خاص آن مورد بررسی قرار گیرد. این نظریه در اواخر دهه ۱۹۸۰ در روابط بین الملل مطرح می شود؛ و تلاش داشته است با طرح مباحث نوین در حوزه های هستی شناسی و معرفت شناسی، بار دیگر مطالعه روابط بین الملل را به سطح مباحث فرافرضی ارتقا دهد. پس از تغییر فضای نظام بین الملل که ناشی از فروپاشی نظام جنگ سرد بود، جریان نظری غالب در روابط بین الملل مخصوصاً نواقح گرای و نئولیبرالیسم، توان تبیین تمامی مسائل بین المللی را ندارند، بنابراین دیدگاه های انتقادی که از قبل مبانی و اساس نظریه های این دو پارادایم اصلی روابط بین الملل را مورد نقد قرار داده بودند به یکباره جایگاه تازه

ای یافتند. بدین ترتیب بود که نظریه سازه انگاری نیز با مطرح کردن مباحث فرانظری به بازتعریف مفاهیم در روابط بین الملل پرداخت و طرحی نو برای مطالعه واقعیت‌ها، پدیده‌ها و رفتارهای بین‌المللی در انداخته شد. سازه انگاری پیش از طرح در روابط بین الملل در جامعه‌شناسی مطرح بوده است، این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید دارد، و معتقد است تمام کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند. این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. در تئوری سازه انگاری هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها و تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شوند و این فرآیند است که موضوع تعامل میان دولت‌ها را تعیین می‌نماید.

در این پایان‌نامه تلاش خواهد شد که ابتدا مبانی اصلی نظریه سازه انگاری در روابط بین الملل مورد مطالعه قرار گیرند، یعنی زمینه‌ها و مفاهیمی چون هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، که تقریباً بطور خاص با ورود این نظریه به عرصه نظریه‌های روابط بین الملل شهرت یافته‌اند، بررسی شوند و مسائل دیگری همچون رابطه آنارشی و نظم، مسأله همکاری‌های بین‌المللی و امکان تحول در روابط بین الملل که سه بعد محتوایی مهم در روابط بین الملل هستند مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.

۲-۱- شرح و بیان مسئله

در حوزه‌های مطالعاتی علوم انسانی بطور عام و روابط بین الملل بطور خاص، ماندگارترین و مهم‌ترین متون، آثار نظری هستند. این آثار نظری بین‌المللی هستند که به ما می‌آموزند چه چیزهایی را به عنوان «روابط بین الملل» تلقی کنیم و چه چیزهایی را مهم بدانیم، چگونه به آنها بنگریم و سرانجام آنها را بفهمیم و یا تبیین کنیم (ونت، ۱۳۸۴: ۲۱). از آنجا که یکی از مهم‌ترین جنبه‌های هر رشته علمی یا حوزه مطالعاتی را دست‌آوردهای نظری آن تشکیل می‌دهد می‌بایست این گونه مفاهیم را بطور جدی مورد نظر قرار داد. نظریه‌ها شناخت را در یک «هم‌نهاد» ترکیب می‌کنند و جهان را با ایجاد ارتباط میان پدیده‌هایی که ظاهراً نا مرتبط و بی‌معنا هستند، برای ما معنا دار می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۵).

بدین ترتیب با توجه به اهمیت نظریه‌ها، در این پایان‌نامه از میان مناظرات نظری و انواع پارادایم‌ها^۱ و نظریه‌های مختلف در روابط بین الملل، نظریه سازه انگاری انتخاب شده است تا سیر و روند شکل‌گیری و همچنین محتویات خاص آن مورد بررسی قرار گیرد. این نظریه که در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ در روابط بین

الملل مطرح می‌شود؛ سعی دارد با طرح مباحث نوین در حوزه‌های هستی‌شناسی^۱ و معرفت‌شناسی^۲، بار دیگر مطالعه روابط بین الملل را به سطح مباحث فرانظری ارتقا دهد. بنابراین موضوعات جدیدی وارد ادبیات روابط بین الملل می‌شوند؛ که اگرچه این‌گونه مسائل از سوی دیگر نظریه پردازان انتقادی هم مطرح شده بود، اما در نظریه سازه‌انگاری به خاستگاه هستی‌شناسانه مفاهیم و موضوعات روابط بین الملل توجه خاصی می‌شود.

پس از تغییر فضای نظام بین الملل که ناشی از فروپاشی نظام جنگ سرد بود، جریان نظری غالب در روابط بین الملل مخصوصاً نواقح گرای^۳ و نئولیبرالیسم^۴، توان تبیین مسائل را در این فضای جدید تا حد زیادی از دست دادند، بنابراین دیدگاه‌های انتقادی که از قبل مبانی و اساس نظریه‌های این دو پارادایم اصلی روابط بین الملل را مورد نقد قرار داده بودند به یکباره جایگاه تازه‌ای یافتند. بدین ترتیب بود که نظریه سازه‌انگاری نیز با مطرح کردن مباحث فرانظری به بازتعریف مفاهیم در روابط بین الملل پرداخت و طرحی نو برای مطالعه واقعیت‌ها، پدیده‌ها و رفتارهای بین‌المللی در انداخته شد که حد فاصل میان «نظریه‌های تبیینی و تأسیسی»^۵ قرار می‌گیرد (کرمی، ۱۳۸۴: ۲۷).

سازه‌انگاری رویکردی است که پیش از طرح در روابط بین الملل در جامعه‌شناسی شناخت مطرح بوده است، این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید دارد، بدین معنی که معتقد است تمام کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. در تئوری سازه‌انگاری هویت‌ها^۶، هنجارها^۷ و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها و تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شوند و این فرآیند است که موضوع تعامل میان دولت‌ها را تعیین می‌نماید (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۷۵). سازه‌انگاری به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی واحدها می‌توانند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابد و بنابراین گفته می‌شود که روابط میان دولت‌ها بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند. از آنجا که منافع از روابط اجتماعی حاصل می‌شود، روابط دولت‌ها با هم بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند. پس هویت یک امر رابطه‌ای^۸ می‌باشد که به معنای درک از خود و انتظارات از دیگران است. عمل نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که

1- Ontology

2- Epistemology

3- Neo Realism

4- Neo liberalism

۵ - نظریه‌های تبیینی یا تشریحی (Explanatory) جهان را چیزی خارج از نظریه‌ها در نظر می‌گیرند؛ ولی نظریه‌های تأسیسی یا سازنده (Constitutive) معتقدند که نظریه‌ها به ساخت جهان کمک می‌کنند (اسمیت و بیلیس، ۱۳۸۳: ۵۰۷).

6- Identities

7- Norms

8- Relational

نسبت به آن کارگزار وجود دارد. همچنین اولویت های بین الملل کارگزاران بر اثر جامعه پذیری درون جامعه بین المللی حاصل می شود.

در این پایان نامه تلاش خواهد شد که ویژگی های اصلی نظریه سازه انگاری در روابط بین الملل مورد مطالعه قرار گیرند، یعنی چگونگی زمینه ها و مفاهیمی چون هستی شناسی و معرفت شناسی، که تقریباً بطور خاص با ورود این نظریه به عرصه نظریه های روابط بین الملل شهرت یافته اند، بررسی شوند؛ همچنین مسائل دیگری همچون رابطه اقتدارگریزی و نظم، مسأله همکاری های بین المللی و امکان تحول در روابط بین الملل که سه بعد محتوایی مهم در روابط بین الملل هستند مورد مطالعه قرار خواهند گرفت

۳-۱- واژه ها و اصطلاحات کلیدی

۱-۳-۱- سازه انگاری^۱

سازه انگاری که از نظر تاریخی به آثار گیامباتیستا ویکو^۲ بر می گردد، ابتدا در جامعه شناسی شناخت مطرح بوده است و متأثر از آن، در اواخر دهه ۱۹۸۰ نیز رشته روابط بین الملل شاهد پدید آمدن طرحی نو برای مطالعه پدیده های بین المللی بود (کرمی، ۱۳۸۴: ۲۷). از بنیانگذاران این نظریه می توان کاتزنشتاین^۳، کراتوچویل^۴، هاف^۵، اونوف^۶، راگی^۷ و ونت^۸ را ذکر کرد. از منظر سازه انگاری باید سه جنبه را در نظر گرفت: فرضیه های فلسفی، تأکیدهای پژوهشی و واکنش به رهیافت اثبات گرایی^۹ (Jackson & Sorenson, 1999: 253-254). از این منظر از یک سو دولت ها با مجموعه گزینه های عملی روبرو می باشند؛ و از سوی دیگر این گزینه ها را ساختارهایی اجتماعی محدود می سازند که از طریق رویه های اجتماعی، متقابلاً توسط دولت ها و ساختارها بر ساخته می شوند (هاف، ۱۳۸۶: ۴۵۷). سازه انگاران سه مسأله کلی را در مطالعه روابط بین الملل ذکر می نمایند: الف) ساختارهای هنجاری^{۱۰} به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند؛ ب) هویت ها و هنجارها در شکل گیری منافع نقش دارند؛ ج) ساختار^{۱۱} و کارگزار^۱ متقابلاً به هم شکل می دهند (Zehfuss, 2002: 2).

1 -Constructivism

2- Giambattista Vico(1668 –1744)

3- Katzenstin

4-Fredrich Kratochwill

5- Hopf

6- Nicholas Onouf

7- John Ruggie

8- Alexander Wendt

9- Positivism

10- Normative structure

11- Structure

۱-۳-۲- فرا نظریه^۲

نیوفلد^۳ فرا نظریه بین المللی را حوزه ای فرعی از روابط بین الملل می داند که می کوشد پاسخ دهد «چه چیزی به یک نظریه خوب شکل می دهد؟» همان طور که معنای واقعیات وابسته به نظریه هاست، نظریه نیز به نوبه خود وابسته به بازاندیشی فرا نظری است؛ تا کفایت آن تضمین شود. یکی از ابعاد فرانظری در روابط بین الملل بُعد هستی شناختی آن است. هستی شناسی را به عنوان شرحی عام از این که چه چیزی وجود دارد و چگونه عمل می کند تعریف می کنند و به تعبیری، «زمینه اکتشاف»^۴ یا «مقام گردآوری» است و به مفروضه های بنیادین در مورد جوهره سیاست بین الملل به عنوان عرصه ای خاص از عمل سیاسی اشاره دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۷). بُعد دیگر فرا نظری به مباحث معرفت شناختی مربوط می شود، که یعنی اینکه «ما چگونه می دانیم چیزی را که می دانیم، می دانیم» (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۰ - ۷). یک شاخص دیگر در مباحث فرانظری، مبحث روش شناسی است که به شناخت شیوه های اندیشه و راه های تولید علم و دانش در عرصه معرفت بشری می پردازد.

۱-۳-۳- مسأله کارگزار - ساختار

کارگزاری یعنی توانایی کنشگر برای کنش آگاهانه از طریق تلاش برای رسیدن به اهداف خود؛ پس در بر دارنده اختیار است و بنابراین کنش نتیجه تفکر آگاهانه بازیگر است. ساختار نیز به معنای بستر و معطوف به زمینه ای است که رویدادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در چارچوب آن شکل می گیرند (های،^۵ ۱۳۸۵: ۱۶۰-۱۵۹). در سازه انگاری نقطه شروع مسأله کارگزار - ساختار و «نظریه ساخت یابی»^۶ آنتونی گیدنز^۷ است. ساخت یابی در تلاش است که از دوگانه انگاری^۸ ساختار و کارگزار فراتر برود و به نوعی روابط بین ساختار و کارگزار را مشخص سازد. این نظریه در صدد پیوند دو نظریه «فردگرا»^۹ و «کل گرا»^{۱۰} می باشد. بنابراین از هر دو رهیافت پرهیز

- 1- Agency
- 2- Meta Theory
- 3- Neufeld
- 4- Context of Discovery
- 5- Collin Hay
- 6- Structuration Theory
- 7- Anthony Giddens
- 8- Dualism

۹- در این رهیافت بیشتر به نقش، سرشت، قدرت و رفتار افراد توجه می شود. جامعه پدیده ای فرا فردی یا برون فردی است که به معنای مجموعه ای از روابط، قواعد، دریافت های مشترک و معانی غیر قابل تقلیل به افراد می باشد (اتکینسون، ۱۳۷۹: ۳۱۷).

۱۰- در این دیدگاه جامعه یک هویت یا پدیده ارگانیک مافوق یا ماوراء فردی یا مجموعه ای متشکل از قواعد، روابط یا معانی نیست که مجموعه کلی آنها دارای توانمندی و قدرتی بیش از اجزای آن باشد بلکه بر این ایده استوار است که جامعه، تاریخ، فرهنگ، اقتصاد یا ملت به نوعی دارای وجود و هستی عینی است که می توان آنرا مفهوم پردازی نمود و مورد مطالعه قرار داد (اتکینسون، ۱۳۷۹: ۳۱۷).

می کند اما در صدد است عناصری از هر دو را به هم پیوند بزند (اتکینسون، ۱۳۷۹: ۳۱۷). بنیان های مسأله کارگزار - ساختار در این دو بحث بدیهی در مورد زندگی اجتماعی قرار دارد: الف) انسان ها و سازمان های آنها کنشگرانی هدف مند هستند، و کنش های آنها به باز تولید و یا تغییر شکل جامعه ای کمک می کند که در آن زندگی می کنند. ب) جامعه از روابطی اجتماعی ساخته شده که تعاملات میان کنشگران هدف مند را ساختار می بخشد (Wend, 1987: 266).

۱-۳-۴ - نظام بین الملل^۱

نظام بین الملل دارای دو معنای عینی و انتزاعی است. در معنای عینی عبارت است از مجموعه ای از بازیگران بین-المللی که به طور منظم در اندرکنش با یکدیگر قرار دارند (شرایط و فعالیت های هر بازیگر بر دیگران تأثیر می-گذارد و از آنها تأثیر می پذیرد؛ یعنی آنها نسبت به یکدیگر توجه دارند و به هم پاسخ می دهند). بدین ترتیب، نظام عبارت است از مجموعه ای عینی از بازیگران که پیوند درونی با یکدیگر دارند. این نظام تا زمانی که این بازیگران وجود دارند، وجود دارد و تنها زمانی تغییر می کند که تعداد بازیگران تغییر نماید یا هویت آنها دگرگون شود. اما مفهوم نظام بین الملل در معنای انتزاعی عبارت است از مناسبات و فرآیندهایی که میان مجموعه ای از بازیگران در هم تنیده ایجاد شده است. این مفهوم اشاره دارد به الگوهایی که از دل این مناسبات و فرایندها قابل تشخیص است. این الگوها شامل: الگوی قدرت (تک قطبی، دو قطبی و ...)، الگوی سیاست ها (انقلابی یا معتدل)، سطح همکاری یا میزان توسعهی رژیم های بین المللی و ... می باشد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۲۳-۲۲). مهم ترین ویژگی های نظام بین المللی عبارت است از:

الف) عامل اصلی تشکیل دهنده نظام بین المللی، دولت ها می باشند؛ ب) ثبات یا بی ثبات نظام بین المللی. یعنی وقتی نظام ثابت است که اجزاء نظام معلوم و رفتار و اعمال متقابل آنها قابل پیش بینی باشند. وقتی که بعضی از شرکت کنندگان در نظام اهمیت خود را از دست داده و اعمال آنها غیر قابل پیش بینی باشد، نظام بین المللی غیر ثابت است. این وضع معمولاً وقتی روی می دهد که نظام بین المللی جدیدی در حال تکوین باشد (بهبزادی، ۱۳۵۲: ۵۱-۵۲).

۱-۳-۵- روابط بین الملل^۱

روابط بین الملل به تمامی اشکال و حالات تعامل میان بازیگران مستقل صحنه جهانی مربوط می شود. مطالعه آن شامل تجزیه و تحلیل سیاست خارجی یا فراگردهای سیاسی بین ملت ها در مفهوم کلی می شود؛ یعنی فراگردهایی که یا سیاسی هستند و یا مربوط می شوند به مبادلات تجاری، حمل و نقل و ارتباطات و گروهی از اقدامات دیگر که معمولاً دولت ها در روابط فیما بین در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به آن متوسل می شوند (کازمی، ۱۳۸۴: ۴۱). قلمرو روابط بین الملل تقریباً از همه دانش های علوم اجتماعی مانند روان شناسی، جامعه شناسی، اقتصاد، حقوق، جغرافیا، سیاست و دیپلماسی، تاریخ و حتی علوم ریاضی و ... می باشد (کازمی، ۱۳۸۴: ۲۶). به این ترتیب روابط بین الملل یک حوزه مطالعاتی بین رشته ای است که فاقد روش شناسی یکپارچه ای می باشد. حتی انجمن های حرفه ای اصلی در جهان انگلیسی، آمریکایی عمده از کاربرد اصطلاح روابط بین الملل اجتناب می کرده اند تا سرشت چند رشته ای آن را نشان دهند (ایوانز و نوام، ۱۳۸۱: ۴۱۵).

۱-۴- پیشینه و ادبیات تحقیق

در باب مطالعه سازه انگاری پژوهش هایی صورت گرفته است؛ در اینجا نمونه هایی از این آثار ذکر می گردد. قوام (۱۳۸۶) در کتاب خود با عنوان "روابط بین الملل: نظریه ها و رویکردها"، سازه انگاری را یکی از رویکردهای مطالعه سیاست بین الملل می داند که خود از ترکیب سایر رویکردها تشکیل می شود. او نتیجه می گیرد که سازه انگاری در تلاش است تا به نحوی نارسائی ها و کاستی های نظریه های گوناگون را با بهره گیری از برخی از گزاره های خود آنها برطرف کند و به اصطلاح تصویر واقعی تری از الگوهای رفتاری سیاست بین الملل به دست دهد. او سازه انگاری را در مبحث نظریه های بازتابی و انتقادی در روابط بین الملل مورد تحلیل قرار می دهد. وی در توضیح سازه انگاری، با جمع بندی آراء اندیشمندان سازه انگار، به تجزیه و تحلیل مبانی هستی شناسی و معرفت شناسی آن می پردازد.

سیف زاده (۱۳۸۴) در کتاب "نظریه ها و تئوری های مختلف در روابط بین الملل فردی - جهانی شده: مناسبت و کارآمدی"، نظریه سازه انگاری را گامی به سوی پست مدرنیسم می داند. او نتیجه می گیرد که سازه انگاری نظریه ای است که فراتر از قالب ذهن پوزیتیویستی هر دو دسته نظریه های ساختار گرایی در سطح کلان و عقل

گرایی سطح خرد را به چالش می‌گیرد. او مفروضه‌های هستی‌شناختی نظریه سازه‌انگاری را مطرح می‌کند و به گونه‌ای مجمل آراء چند نظریه پرداز را برای شناخت قالب فکری یا محتوای نظریه سازه‌انگاری را بیان می‌کند. مشیرزاده (۱۳۸۴) در کتاب «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل» تئوری سازه‌انگاری را مورد بررسی قرار داده است. نتیجه‌ای که او می‌گیرد این است که سازه‌انگاری به عنوان تلاشی در حوزه فرانظریه است. او ضمن تجزیه و تحلیل مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آن، به دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف در این حوزه می‌پردازد.

بیلیس^۱ و اسمیت^۲ (۱۳۸۳) در فصلی از کتاب "جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین"^۳ (موضوعات بین‌المللی در آینده) جلد ۱^۴، گزینه‌هایی را که در مقابل نظریه‌های خردگرا در روابط بین‌الملل ارائه شده‌اند تشریح می‌کند. آنها در تقسیم‌بندی نظریه‌ها به تشریحی^۴ و سازنده^۵ و یا بنیادی^۶ و غیر بنیادی^۷ به وجوه تمایز میان آنها می‌پردازند. نظریه‌های تشریحی و بنیادی را خردگرا^۸ می‌دانند؛ و نظریه‌های سازنده و غیربنیادی را نیز به دو گروه واکنش‌گرا و سازه‌انگاری اجتماعی تقسیم می‌کنند. در زیر شاخه واکنش‌گرایی، نظریه‌های هنجاری، فمینیسم^۹، انتقادی^۹، جامعه‌شناسی تاریخی، پست مدرنیسم^{۱۰} را می‌آورند. نتیجه‌ای که می‌گیرند این است که نظریه سازه‌انگاری اجتماعی با هدف پر کردن شکاف بین نظریه‌های خردگرا و واکنش‌گرا تدوین شده است. زیفوس (۲۰۰۲) در کتاب "سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل: سیاست واقع‌گرایی"^{۱۱} تئوری سازه‌انگاری را مورد بررسی قرار داده است. او ابتدا مفاهیم این نظریه را شرح و توضیح می‌دهد و سپس سه گونه سازه‌انگاری را مطرح می‌کند: الف) سازه‌انگاری به روایت ونت، ب) سازه‌انگاری به روایت کراتوچویل و ج) سازه‌انگاری به روایت اونوف. زیفوس در بخش‌های مهم کتابش به این موضوعات می‌پردازد: ۱) تغییر هویت: سازه‌انگاری به روایت ونت و ایفای نقش ارتش آلمان در ورای مرزهایش؛ ۲) هنجارگرایی و بیناذهنیت: سازه‌انگاری به روایت کراتوچویل و ایفای نقش ارتش آلمان؛ ۳) کلمات و جهان: روایت اونوف از سازه‌انگاری و نقش ارتش آلمان

1- John Baylis

2- Steve Smith

3- The Globalization of World Politics: An Introduction to International Relations

4- Explanatory

5- Constitutive

6- Foundationlist

7- Rationalist

8- Feminism

9- Critical

10- Postmodernism

11- Constructivism in International Relations: The Politics of Reality

در خارج از مرزهایش. او نتیجه می‌گیرد که در قالب این چارچوب کلی بهتر می‌توان به مطالعه موردی کنشگری و نقش یابی جدید ارتش آلمان پرداخت.

جکسون و سورنسن (۱۹۹۹) در کتاب "درآمدی بر روابط بین‌الملل"^۱: در توضیح خود، سازه‌انگاری را در ذیل مناظره‌های روش‌شناختی^۲ فرا اثبات‌گرایی^۳ و در کنار نظریه انتقادی و پست مدرنیسم می‌آورند. با ارائه اظهارات نظریه پردازان سازه‌انگار نتیجه می‌گیرند که آنها پژوهش‌گرانی در حوزه روابط بین‌الملل هستند که فکر می‌کنند روش‌های عینی نمی‌تواند برای تشریح روابط بین‌الملل کار ساز باشد و آن را ناشدنی می‌دانند و بنابر نظر آنها آنچه که در قالب پژوهش‌های روابط بین‌الملل می‌توان بدان دست یافت از لحاظ پژوهشی «تفسیر « روابط بین‌الملل است که راهی میانه بین دو دسته افراطی در مباحث روش‌شناختی می‌باشد.

راگی (۱۹۹۸) در کتاب «برساخته‌های سیاست جهانی: تلاش برای نهادسازی بین‌المللی»^۴ سازه‌انگاری را یک قلمرو هستی‌شناسی می‌داند و به عوامل فکری مانند فرهنگ، هنجارها و انگاره‌ها بها می‌دهد. نتیجه‌ای که او می‌گیرد این است که سازه‌انگاری، سیاست بین‌الملل را براساس یک نوع هستی‌شناسی رابطه‌ای در نظر می‌گیرد و بر این اعتقاد است که هویت‌ها و عوامل فرهنگی سبب ایجاد یک نوع جهان‌بینی می‌شود که این امر بر الگوهای تعامل بین‌المللی اثر می‌گذارد.

هاف (۱۹۹۸) در مقاله "نوید مکتب برسازی برای نظریه روابط بین‌الملل"^۵، سازه‌انگاری را به دو گونه متعارف و انتقادی قابل تقسیم می‌داند و سعی در نشان دادن تفاوت‌های میان این دو نوع دارد. نتیجه‌ای که او می‌گیرد این است که مضامین محوری نظریه‌های روابط بین‌الملل از منظر سازه‌انگاری با برداشت‌های متفاوتی مطرح می‌شوند، از جمله معنای اقتدارگریزی^۶ و توازن قدرت^۷، رابطه میان هویت و منافع دولت، و چشم‌اندازهای دگرگونی در سیاست جهان.

ونت (۱۹۹۲) در مقاله "اقتدارگریزی چیزی است که دولت‌ها خودشان می‌فهمند"^۸؛ هدف خود را پل زدن میان دو سنت خردگرا و واکنش‌گرا در نظریه‌های روابط بین‌الملل می‌داند. ونت می‌خواهد این کار را از طریق ارائه یک استدلال سازه‌انگارانه، برگرفته از جامعه‌شناسی تعامل‌گرای نمادین و طرفدار ساخت‌دهی انجام دهد.

1- Introduction to International Relations

2- Methodology

3- Post Positivism

4- Constructing the World Polity: Essays on International Institutionalization

5- Promise of Constructivism in International Relations Theory

6- Anarchy

7- Balance of Power

8- Anarchy What States Make of It